



عکس: علی سلطانی

وای ایرانی ام

بود کار خوب بود و من هم سعی کردم جمله بندی هایم به گونه ای باشد که اولاً هم شبیه کارهای قبل نباشد و کسانی که اهل موسیقی بودند نایب نمی کردند. مجموعاً این دو شب اول و امی بود گفت که نزدیک به هم بودند، اما یکی دو شب سال‌های او بهتری پیدا کردم و اتفاق‌های خاصی افتاد.

یک بحث دیگر من سر خوردن که خیلی‌ها معتقدند فضای استاد است در کنسرت‌ها اما شب اول نداشته‌ام
شب اول و آخر نگاه‌شدم، گفتیم سابقاً را اجرا کنیم که شما باشد، چون مرغ مسخر حال و هوای اجتماعی دارد.

به خاطر همین حال و هوا هم هست که مردم در پایان هر کنسرت انتظار دارند که شما آن را بخواهید
مردم می‌خواهند و من مسخر حرف‌هایم را نشان‌دار بگویند، شب اول وقتی هر چه اسرار دارند، ما اجرا کنیم مردم خودشان آن را خواهند گفت.

مردم آن شب می‌گفتند که نگاه‌شدن استاد بخواهد
نعم، به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهم که در کارم دخالت بکند و گویند چه بخوانم و چه نخوانم، حرف‌هایم را مصفاها یکی آمد و گفت خواهش می‌کنم که مرغ مسخر را نخواهد، من آن شب با آن که مردم من نخواستند مرغ کسی دخالت نکند، هر چند که ما مایل از برنامه میوز کار با می‌گیریم.

بعضی که برخی دو همدن زمینه باشند، می‌کنند، این است که آنها می‌خوانند
خودشان ما نوراهای زیادی می‌شنویم که به تقلید از شما خوانده‌اند. شاید این باعث می‌شود که خودشان بشنوند. ببینید من اول این شعرهایی که در روزهای اول کنسرت‌ها بودم، چند وقت بودم، چند وقت با مردم بودم، چند وقت ظاهر زاده وقتی هم که می‌رفتم دو سه سال کاری می‌کردم می‌گفتند این مثل ظلی می‌خواند، مثل بنان می‌خواند، مثل ظاهر زاده می‌خواند، همه این‌ها را در وقت آن وسط همه اینها خودم آمدم بیرون.

ولی از همه اینها گذشته، شما دیدن!
من شیوای را که کار می‌کردم و با نظریش آشنا می‌شدم، فریاد می‌کشید دیگر انتخاب می‌کردم، دیگران هم نباید در یک شیوه می‌مانند، اما شیوای که من به آن رسیدم، اگر مقایسه کنیم و درست قضاوت کنیم، مجموعه همه این شیوه‌هاست. از جمله بدنی و تکنیک و حال و هوای همه این شیوه‌ها استفاده کردم و خودم رنگ دیگری به آن زدم تا شده این، الان خیلی سخت است که یکی خواسته باشد آواز کار بکند و بی نیاز از شعر باشد، چون بهترین‌ها را گرفته‌ام و این بهترین‌ها را در اختیار ندارم. و باید از صافی من بگذرد.

اما باید بگذرد
بله باید بگذرد، باید بگذرد، با آن مقایسه کند و تحقیق بکند و کارهای دیگر را هم بررسی بکند و از همه بگذرد. کار من البته مجموعه‌ای است از همه کارها. من مجموعه دارم و به خاطر همین مجموعه است که به

شهرستان‌ها برگزار شود؟

همین کار را هم می‌کنیم، اما باز مشکل زیاد است، هر بار که در قلم شهرستان‌ها باشکلم عمده‌ای برخورد کردیم، یک بار در یکی از شهرستان‌ها هستی پرورش‌دهی کنسرت را به جای بلیت به مردم فروخته بودم و مردم وقتی می‌آمدند می‌دیدند که کسی دیگری جایشان نشسته است، ما بارها و بارها در شهرستان‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو شدیم و الان هر چه چکر می‌کنیم می‌بینیم کنسرت برگزار کردن در شهرستان برای من کابوس است، خیلی سخت است، مگر این که بتوانیم همه چیز چله‌چله است، ما هر کار که می‌پوشی می‌بینی که می‌آید و بدو فروخته صندلی جلو سالن می‌چینند که مقامات بیایند، به چه حقی این کار را می‌کنند؟ حال ما را می‌گیرند و عصبانی مان می‌کنند و از مردم خجالت می‌کشیم، اگر کسی می‌خواهد بیاید باید قبلاً به ما بگوید تا خودمان جای بدهیم.

از کارگاه آواز چه خبر است؟
باید کارهایشان را گوش کرد به هم، الان تست خانم‌ها را گوش کرده‌ام و امتیاز نوازدهم و برای بار دوم انتخاب کرده‌ام. کارهای آقایان هنوز نام نشده، چون هر شب سه چهار ساعت کار می‌برند، باید این کارها را گوش بدهم و انتخاب کنم که بعد که انتخاب کردم تلفظ بزرگ‌ترین بیایند و ببینیم که چه کنسرتی از هر جهت به کار دارم ما می‌خواند.

برنامه بعدی‌تان چیست؟
باید ببینیم چند نفر را انتخاب می‌کنم و در چه حد و اندازه‌ای هستند، برای همه اینها یک برنامه ندارم، ممکن است یکی تازه شروع کرده باشد، و هنوز خراب نشده باشد، او تمرینات خاص خودش را دارد، یک یک عده در سن ۲۲-۲۵ سالگی هستند و چیزهایی دارند، برنامه آنها هم فرق می‌کند، عده‌ای هم به ۳۳-۳۵ سالگی رسیده‌اند، آنها هم برنامه‌شان فرق دارد، چند نفر کار است، یک نوع آن نیست، این کار زمان می‌برد.

داده‌اید خواننده اسمی در می‌آید؟

بله دو نفر سعی هستند که گوش کنند. از نظر صدا و توانایی و جزئی که دارند، خوب‌اند، اما باید دید که اینها تا چه اندازه در رام می‌مانند، تا دو نفر برایش دست زدند، نباید کاسب کار شوند، کسانی بودند که صدایشان خوب بود، اما وسط کار به راه کسب درآمد رفتند، تلویزیون و یاد خودشان شروع کردند، در این وقت مردم می‌خواهند که مقابل و سوسه بکشند.

استاد از شاگردان قلبی‌تان خبری دارید؟
تعادلی از شاگردانم که سال‌ها پیش دوره‌های را پیش من گذرانده‌اند، الان خودشان آواز ندرسی می‌کنند و کارشان خوب است و تاجر گزارند، آقایان جویبار، کرمانی، شعبی، نوربخش و ملک بابایی کسانی‌اند که دوره‌های را پیش من طی کردند و خوب‌اند، البته البته، در نورآوردن و کنسرت دادن خیلی فعال نیستند، اما معلم‌های خوبی هستند.

اینها درست، اما هیچ کدام از شاگردان شما به حال شعرهای شما نیستند
ببینید هیچ‌کس نمی‌خواند، کسی دیگر را بگیرد. من جای‌تان را رنگم، جای ظلی گرفته، جای تاجر را نگرم، جای طاهر زاده را نگرم، اما همه اینها استفاده کردم و خودم هم به هر کس خودش می‌شود هیچ‌کس نمی‌خواند، هر کس می‌شود، حق می‌مانم، هر کس می‌شود، همین خودش می‌شود. خیلی‌ها هستند که قفل‌چراغ جرات کار باشند، چقدر بگیر بگردند، چقدر فعالیت کنند، شرایط برای هر کس فرق می‌کند.

بعضی که برخی دو همدن زمینه باشند، می‌کنند، این است که آنها می‌خوانند
خودشان ما نوراهای زیادی می‌شنویم که به تقلید از شما خوانده‌اند. شاید این باعث می‌شود که خودشان بشنوند. ببینید من اول این شعرهایی که در روزهای اول کنسرت‌ها بودم، چند وقت بودم، چند وقت با مردم بودم، چند وقت ظاهر زاده وقتی هم که می‌رفتم دو سه سال کاری می‌کردم می‌گفتند این مثل ظلی می‌خواند، مثل بنان می‌خواند، مثل ظاهر زاده می‌خواند، همه اینها را در وقت آن وسط همه اینها خودم آمدم بیرون.

ولی از همه اینها گذشته، شما دیدن!
من شیوای را که کار می‌کردم و با نظریش آشنا می‌شدم، فریاد می‌کشید دیگر انتخاب می‌کردم، دیگران هم نباید در یک شیوه می‌مانند، اما شیوای که من به آن رسیدم، اگر مقایسه کنیم و درست قضاوت کنیم، مجموعه همه این شیوه‌هاست. از جمله بدنی و تکنیک و حال و هوای همه این شیوه‌ها استفاده کردم و خودم رنگ دیگری به آن زدم تا شده این، الان خیلی سخت است که یکی خواسته باشد آواز کار بکند و بی نیاز از شعر باشد، چون بهترین‌ها را گرفته‌ام و این بهترین‌ها را در اختیار ندارم. و باید از صافی من بگذرد.

اما باید بگذرد
بله باید بگذرد، باید بگذرد، با آن مقایسه کند و تحقیق بکند و کارهای دیگر را هم بررسی بکند و از همه بگذرد. کار من البته مجموعه‌ای است از همه کارها. من مجموعه دارم و به خاطر همین مجموعه است که به

سرخ من می‌آیند و وقتی می‌آیند به دام من می‌افتند و مثل شجران می‌خوانند و خیلی دیر وسخت می‌توانند از این مجموعه بیرون بروند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

یادداشت شفاهی

شجریان حرف اول را می‌زند



عکس: سعید حجابی

صدای استاد با راکستر بهتر است

سعید حجابی



عکس: سعید حجابی

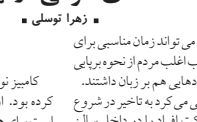
چان داری نمی‌توان گفت که استادان بیت را نمی‌خوانند به نظر من بهتر بود، اگر جاهایی هم بود که آدم انتظار داشت همایون به بخواند، اما همایون نمی‌خواند، استاد به تنهایی می‌خواند، نمی‌دانم شاید صدای همایون هنوز در بعضی جاهایی نوازند با استاد همراهی کند و خواندن برخی ابیات برایش سخت است.

تکته دیگر این که من صدای استاد را با صدای ارکستر بیشتر می‌پسندم و به نظر از کنسرت صدای استاد را بیشتر نشان می‌دهد و فکر می‌کنم که یک روزی باید مشکل شجریان با ارکستر حل شود، اگر از کارهای خراسانی استاد مثل «شبه سبکت، کوبره» که بسیار خوب‌اند، بگذریم، من فکر می‌کنم بهتر کنسرت کارهای استاد آنهاست که با ارکستر خوانده‌اند.

صدای استاد نتالینت گسترده‌ای دارد و این را ارکستر بهتر از این گروه‌ها می‌تواند نشان بدهد. درباره گروه‌ها هم به نظر من گروه خیلی استاد که آقای علینا حضور داشت، قوی‌تر و مدرن‌تر بود، اما این گروه هم خوب بود و علینا صدای استاد خیلی دلچسب بود.

تصنیف مرغ سحر به یاد ماندنی است

احسان تراقی



عکس: سعید حجابی

خوشوقم از این که در کنسرت محمدرضا شجریان شرکت کردم، کنسرت خوبی بود و لذت بردم، خصوصاً از این لحاظ که حدود ۱۰ سال پیش شاهد اجرای همایون و پدرش در سالن بزرگ یونسکو در پاریس بودم. جادار دیباج به تصنیف مرغ سحر اشاره که جزو تصنیف‌های یادماندنی تاریخ است، کنسرت شجریان وقتی آخرین قطعه‌ای اجرای آن، اثر ترانه را شنیدم، همراه با تمام سالن به هیجان آمدم برای این استاد آواز کف خودم. یاد بگیرم چندین نسل در ایران در طی این چند سال این تصنیف را با عشق

شب پنجم کنسرت خواننده‌ای چون شجریان می‌تواند زمان مناسبی برای رسیدن به یک جمع بندی رایج به آن باشد. تا این شب اغلب مردم از نحوه پربایی کنسرت راضی بودند. البته در این میان برخی انتقادهایی هم بر زبان داشتند. الفصح که خود را فعال نشسته صنایع دستی معرفی می‌کرد به خاطر در شروع برنامه انتقاد داشت. او همچنین نحوه کنترل حرکت افراد را در داخل سالن خالی از عیب نمی‌دانست؛ چون معتقد بود برخی در سالن سر و صدا می‌کردند یا با موبایل‌های چندکاره‌شان مزاحم بقیه می‌شدند.

همچنین خاصی به نحوه ورود افراد به داخل تالار (از سمت درب اصلی) انتقاد داشت و می‌گفت هرج و مرج و بی‌نظمی همه را کلافه کرده است. از سوی دیگر عده‌ای از شکل گیری بازار سیاه بلیت در مقابل درب اصلی گله داشتند. ش.ق. از جمله مراجع کنندگان بود که می‌گفت شاهد فروش بلیت ۱۰۰ هزار تومانی بودم!

و معتقد بود سیستم فروش بلیت اینترنتی جواب خوبی نداده است. با تمام این ضعف‌ها، در صدد زیادی از مراجع کنندگان در پایان کنسرت معتقد بودند محمدرضا شجریان هنوز در اوج است.

آنگه گروه جدید شجریان را موفق و قوی می‌دانستند، هر چند از نوازندگان قدیمی گروه استاد مشکفان، علینا، کلهر و... با نیکویی یاد می‌کردند. در این میان صحبت‌های شمارش از چهره‌های فرهنگی هم شنیدنی است.

سیفیا داد:
نظر کارشناسی ندارم
نظر کارگردان سینمایی ایران زمانی رویه مردم شدیم که در حال ترک تالار از مهلت آنرا تک بود.

در تمامی کنسرت‌های شجریان تا جایی که توانسته‌ام شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند.

در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

چیزی در فک من از ارائه می‌کنم میراثی است که به ما رسیده است و چگونگی ارتباط آواز با شعر هم جزو همین میراث است. ما با مفاهیم شعر و غزل در آواز سوزناک و زیاده، مفاهیم هم با شکایت از معشوق و فلک و روزگار بوده یا تعریف معشوق که آخرش باز به فراق و بی وفایی معشوق می‌رسد. پس هر یک نوع اعتراض است. سعدی اعتراض دارد. معشوق زمینی را تعریف می‌کند، به گونه‌ای که دیگر بهتر از آن نمی‌شد از معشوق حرف زد اما درباره‌ی وفایی و دوری‌اش هم می‌گوید. این‌ها با آواز ما عین شده است. قدیمی‌ها هر چه می‌خواندند بیشتر از سعدی می‌خواندند ولی من بیشتر از همه از حافظ خواندم و بعد از سعدی. مولانا غزل‌های آوازی‌اش به سلیقه من چندان هم سازگار نیست و بیشتر به درد تصنیف می‌خورد.

اما فردوسی که سوال کردید. فردوسی هم شعر آوازی ندارد. در کار آواز باید هر بیثی برای خودش جدا باشد. دوبیتی هم که بشود، به اشکال بر می‌خوریم. شعر فردوسی با شعر حافظ و سعدی فرق دارد و به کار آواز نمی‌خورد. شما یک دفعه می‌بینید که ۱۰ بیت پشت سر هم به هم وابسته است. البته تالوهایی دارد که عاشقانه است و مناسب اولی‌ها اما در دام سعدی و حافظ افتاده‌اند. این دو شعر همه را کشیده‌اند در دام خودشان و مولانا هم در کار ریمیک در سال‌های اخیر همه را دنبال خودش کشیده که اسمش را گذاشته‌اند عرفانی که من نمی‌دانم از کجا آمده است.

شاید موسیقی صوفیانه اصطلاح مناسب‌تری باشد.
بله، موسیقی صوفیانه خوب است. موسیقی در دانش عرفان و شناخت است، اینکه هدف باید و بینش بالا و پایین بیاد و بشود موسیقی عرفانی ما چیست چیزی نداریم. با یک دف و با سرنگان دادن موسیقی، آوازی نمی‌شود.

عشره که برخی دو همدن زمینه باشند، می‌کنند، این است که آنها می‌خوانند
خودشان ما نوراهای زیادی می‌شنویم که به تقلید از شما خوانده‌اند. شاید این باعث می‌شود که خودشان بشنوند. ببینید من اول این شعرهایی که در روزهای اول کنسرت‌ها بودم، چند وقت بودم، چند وقت با مردم بودم، چند وقت ظاهر زاده وقتی هم که می‌رفتم دو سه سال کاری می‌کردم می‌گفتند این مثل ظلی می‌خواند، مثل بنان می‌خواند، مثل ظاهر زاده می‌خواند، همه اینها را در وقت آن وسط همه اینها خودم آمدم بیرون.

ولی از همه اینها گذشته، شما دیدن!
من شیوای را که کار می‌کردم و با نظریش آشنا می‌شدم، فریاد می‌کشید دیگر انتخاب می‌کردم، دیگران هم نباید در یک شیوه می‌مانند، اما شیوای که من به آن رسیدم، اگر مقایسه کنیم و درست قضاوت کنیم، مجموعه همه این شیوه‌هاست. از جمله بدنی و تکنیک و حال و هوای همه این شیوه‌ها استفاده کردم و خودم رنگ دیگری به آن زدم تا شده این، الان خیلی سخت است که یکی خواسته باشد آواز کار بکند و بی نیاز از شعر باشد، چون بهترین‌ها را گرفته‌ام و این بهترین‌ها را در اختیار ندارم. و باید از صافی من بگذرد.

اما باید بگذرد
بله باید بگذرد، باید بگذرد، با آن مقایسه کند و تحقیق بکند و کارهای دیگر را هم بررسی بکند و از همه بگذرد. کار من البته مجموعه‌ای است از همه کارها. من مجموعه دارم و به خاطر همین مجموعه است که به

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.

شما چندبار درباره اشعرتا در موسیقی ایرانی گفته‌اید
درباره اشعرتا در موسیقی سنتی شرکت کرده‌ام، چرا که او حرف اول را در موسیقی سنتی کشور ما می‌زند. در نظم کنسرت از من سوال شد چرا در این برنامه شرکت کرده‌ام. به هر حال چنین فضایی معتنم است، آن هم از این رو که یک چهره شناخته شده موسیقی ایران هنر خود را به این زیبایی برای مردم می‌خواند.